

فرانکشتاین

مری شلی

مترجم: مسعود

www.ketab.ir

شلی، مری وولستونکرافت، ۱۷۹۷ - ۱۸۵۱م.

Shelley, Mary Wollstonecraft

فرانکشتاین/مری شلی؛ [مترجم] مهرباب حسنونند.

تهران: باران خرد، ۱۳۹۸.

ص. ۲۴۰

978-622-6199-21-6

فیفا

عنوان اصلی: c2008.Frankenstein,

کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر شده است.

داستان‌های انگلیسی -- قرن ۱۹م.

English fiction -- 19th century

حسئونند، مهرباب، ۱۳۷۶ - مترجم

PZ۳

۸۲۳/۸

۵۷۱۸۳۲۷

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابخانه ملی

کتابخانه

انتشارات

عنوان

نوشته‌ی

ترجمه‌ی

ویراستار

نوبت چاپ

تیراژ

حروف‌نگاری

چاپ

شابک

قیمت

باران خرد

فرانکنشتاین

مری شلی

مهرباب حسنونند

افسانه نصرتی

اول ۱۳۹۸

۱۰۰۰ نسخه

آبان گرافیک

فرازاندیش سبز

۶ - ۲۱ - ۶۱۹۹ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۴۶۰۰۰ تومان

پیشگفتار

رویدادی که در این کتاب شرح داده می‌شود توسط دکتر داروین و برخی از نویسندگان آلمانی فیرومولوژیست به عنوان یک رویداد محتمل شناخته شده است. من نیز نمی‌توانیم نسبت به این شرح از خیالات بی‌تفاوت باشم و آن‌ها را نادیده بگیرم؛ این کار به عنوان اساس اولیه‌ی یک داروین‌پارک العاده جالب است و در عین حال من نیز تا حدودی به رویدادهای وحشتناک ماوراء الطبیعه اعتقاد دارم. رویدادهای این داستان جالب هستند و فقط حالت داستانی و غیر واقعی ندارند. در این داستان با رویدادهای موقعیت‌های بسیار جدید مواجه می‌شوید که به دراز و دراز توصیف شده و هر رویداد با جزئیات توسعه یافته است. در هر مورد؛ رد پای تخیل را شاهد هستید که فراتر از روابط عادی در رویدادهای روزمره هستند.

به همین دلیل است که برای حفظ حقیقت اصول اولیه هیئت انسانی تلاش کردم و ترکیب‌بندی آن‌ها را به‌طور طبیعی حفظ کردم. برخی دیگر را آثار نیز منطبق با همین قانون هستند از جمله «ایلیاد»، اثر منظوم تراژیک یونانی و یا «طوفان» و «رؤیای نیمه‌شب تابستان» اثر شکسپیر؛ و همچنین «بهشت گمشده» اثر میلتون ... هر رمان‌نویس موفق که به دنبال ایجاد جذابیت در کارهایش باشد، بی‌تردید از مزایای اعمال قوانین در داستان بهره‌گیری می‌کند تا ترکیبی از احساسات انسانی را برای دستیابی به نوع بالاتری از شعر ایجاد کند.

داستان من در شرایطی کاملاً عادی روی می‌دهد. در ابتدا این داستان را برای سرگرمی و یا شاید کار کشیدن از ذهنم شاخ و برگ دادم. پس از مدتی؛ انگیزه‌های دیگری نیز به این موارد اضافه شدند تا من کار را دنبال کنم. نسبت به گرایش‌های اخلاقی موجود برای خلق شخصیت‌ها و محتوای داستان که بر خوانندگان تأثیرگذار هستند، بی‌تفاوت نیستم اما دغدغه‌ی اصلی من در این خصوص این است که بتوانم یک اثر برخلاف رمان‌های بی‌تأثیر امروزی خلق کنم؛ مهربانی‌های بی‌نظیر و دلپذیر را نشان دهم و تعالی را که از فضیلت‌های جهانی است به تصویر بکشم. عقاید شخصیت اصلی داستان به هیچ وجه از عقاید خود من نیستند، هیچ یک از رویکردها و نظرات فلسفی که در این کتاب ذکر شده‌اند نیز با آنچه من در سر دارم یکسان نیستند.

داستان من کتاب فقط یکی از علائق ذهنی من بوده است که به صورت داستان در یک ناحیه بزرگ به فوج بیوسه است. تابستان ۱۸۱۶ را در ژنو سپری کردم. هوا سرد و بارانی بود بنابراین هر روز عصر دور آتش جمع می‌شدیم و خودمان را با داستان‌های آلمانی با موضوعات افسانه‌ای سرگرم می‌کردیم. این داستان‌ها برایمان جذاب بود تا حدی که مایل بودیم خودمان نیز آن‌ها را تجربه کنیم. دو تن از دوستان و خودم توافق کردیم که هر یک داستان‌های افسانه‌ای رویدادهای ماوراءالطبیعه بنویسیم.

هوا ناگهان صاف و مطبوع شد؛ دو درست مرا در سفری که در آلپ شروع کرده بودیم همراهی نکردند، آن‌ها نیز همچون سایر جهانگردان به تفریح‌های خارق‌العاده طبیعی شدند و ذهنیتشان در خصوص داستان‌های افسانه‌ای را فراموش کردند. آنچه در اینجا می‌خوانید فقط یکی از داستان‌هایی است که کامل شد.